

تشدید افت یادگیری

کارشناسان همزمان از تشدید افت یادگیری و پیامد دور زدن قانون هوای پاک می‌گویند تحصیل در تعطیلات!
گروه اجتماعی

«هراتفاقی می‌افتد دیواری کوتاه تر از مدرسه پیدا نمی‌کنند. آموزش و پرورش بزرگترین دستگاه اجرایی کشور است، موجودیت ما به وجود مدرسه بسته است. اگر مدرسه باشد آموزش و پرورش هست و اگر مدرسه نباشد دستگاه تعلیم و تربیتی وجود ندارد.» این را صادق ستاری‌فرد، معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش‌وپرورش می‌گوید. اما نه فقط او که تمامی فعالان دستگاه تعلیم و تربیت نسبت به پیامد تعطیلی طولانی مدت و افت تحصیلی دانش‌آموزان هشدار می‌دهند.

طی روزهای گذشته این هشدارها با زمزمه تغییر استان‌داردهای شاخص آلودگی هوا همراه شده است، اقدامی که قاطبه صاحب نظران آن را غیرمنطقی و به مفهوم پاک کردن صورت مسئله دانسته اند، اما وزیر آموزش و پرورش بر تجدید نظر در تغییر شاخصها اصرار دارد و دیگر نقاط جهان را مثال می‌زند که با شاخص آلودگی ۱۵۰ مدارس را تعطیل نمی‌کنند! یوسف نوری می‌گوید:

«در دنیا تا وقتی شاخص آلودگی کمتر از ۲۰۰ باشد، تعطیلی مدارس نداریم و در موقعیت آلودگی هوای بنفش مقطع متوسطه را هم اصلا تعطیل نمی‌کنند و در برخی مناطق دنیا، دوره ابتدایی را تعطیل می‌کنند. کشورهایی نظیر مکزیک، فرانسه و غیره با گذر شاخص آلودگی از ۳۰۰ به بعد تعطیل می‌کنند.»

جلوگیری از تعطیلی مدارس در شرایط فعلی، به پیشنهاد طرحی منجر شده تا استان‌داردهای شاخص آلودگی هوا «کمی تغییر» کند. این خبر درحالی از سوی احمد وحیدی- وزیر کشور اعلام شده که او تایید می‌کند تعطیلی مدارس برای حفظ سلامتی کودکان صورت می‌گیرد. این اظهارات همان‌طور که انتظار می‌رفت، واکنش برانگیز شده و کارشناسان می‌گویند، به جای تغییر شاخص‌های دستوری، باید قانون هوای پاک را اجرایی کرد. موضوعی که محمدعلی محسنی بندپی- از اعضای کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی با اشاره به آن، خطاب به وزیر کشور و آموزش و پرورش می‌پرسد: «مگر با این اقدام می‌توان آلودگی هوا را کنترل کرد؟ طبق آمارها میزان این شاخص در اراک به ۵۰۰ رسیده است؛ آیا آقایان می‌خواهند شاخص را از ۱۵۰ به ۵۰۰ برسانند و آن را ملاک تعطیلی مدارس قرار دهند؟ قرار است این شاخص تا چه اندازه ای تغییر کند؟» این پرسش‌ها رئیس سازمان محیط زیست را

و اداشته است که در حاشیه جلسه هیئت دولت، موضع رسمی این سازمان را مبنی بر تغییر شاخص آلودگی هوا برای تعطیلی مدارس اعلام کند. علی سلاجقه در گفت و گو با ایسنا مطرح کرده: «کشورهای دنیا در بحث شاخصهای آلودگی هوا برای تعطیلی مدارس، بالاتر از ما عمل می‌کنند مثلاً با شاخص ۲۰۰-۳۰۰ فقط مدارس ابتدایی را تعطیل می‌کنند. قبلاً هیئت وزیران شاخص ۱۵۰ گذاشته است و اکنون می‌خواهد تصمیم خود را عوض کند.» مبنای رسیدن غلظت آلاینده‌های هوا به ۱۵۰ که به دنبال آن غیرحضورى شدن مدارس صورت می‌گیرد، در راستای قانون هوای پاک مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۹۶ است و عباس شاهسونی- رئیس کارگروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت مخالفت این وزارتخانه را با تغییر استانداردهای شاخص آلودگی هوا اعلام کرده است.

چرا که این اقدام، آسیب بسیار بزرگی را به سلامت دانش‌آموزان وارد می‌کند. بهزاد اشجعی- عضو سابق کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا در این زمینه توضیح می‌دهد: «دانش‌آموزان جزو گروه‌های حساس و آسیب‌پذیر جامعه هستند. در تعاریف شاخص کیفیت هوا نیز دانش‌آموزان جزو گروه‌های حساس محسوب می‌شوند، به طوری که حتی شاخص کیفیت هوای نارنجی‌رنگ با اعداد ۱۰۰ تا ۱۵۰ برای شهروندان عادی خیلی آسیبی ندارد اما برای سلامت آنان خطرناک محسوب می‌شود. بدین جهت براساس دستورالعمل، مدارس در شرایط قرمز (شاخص بین ۱۵۰ تا ۲۰۰) باید تعطیل باشند.»

دود آلودگی به چشم دانش‌آموزان می‌رود

این عضو سابق کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا در گفت و گو با «رسالت» تاکید می‌کند که تغییر استاندارد شاخص آلودگی هوا، تصمیمی واقع بینانه نیست. سیستم‌ها و ساختارها در هر کشوری متفاوت است و به صورت یکسان عمل نمی‌کنند. هر کشوری با توجه به وضعیت خود و ساختار موجود تصمیماتی اتخاذ می‌کند تا شهروندان در شرایط اضطرار آلودگی هوا، کمترین اثرات سوء را متحمل شوند. اگر در کشوری همچون فرانسه با گذر شاخص آلودگی از ۳۰۰ مدارس تعطیل می‌شوند (جدا از اینکه این آمار چقدر درست است) به این دلیل است که مدارس این کشور در محیطی دور از نقاط پرتراфик قرار داشته و با فضای سبز احاطه شده است. حال اینکه مدارس ما در شلوغ‌ترین و پرترددترین نقاط شهر قرار گرفته و مساحت کوچکی دارند و بعضاً هیچ فضای سبزی هم در آنها وجود ندارد. آیا در روزهای آلوده، کیفیت هوایی که دانش‌آموز ما تنفس می‌کند با کیفیت هوایی که یک دانش‌آموز در فرانسه تنفس می‌کند یکسان است؟ طبیعتاً ما نیز باید مطابق ساختار و شرایط خود تصمیماتی اتخاذ کنیم تا مردم و به ویژه گروه

های حساس مثل دانش آموزان؛ کمترین ریسک سلامتی را در روزهای آلوده متحمل شوند. این تصمیمات در زمان تصویب دستورالعمل شرایط اضطرار بررسی و اثرسنجی شده اند.»

اشجعی راه حل مقابله با آلودگی هوا را تلاش برای اجرای قانون می داند، نه اینکه قانون را با وضعیت فعلی مطابقت داد. این عضو سابق کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا می گوید: «اگر کاری برای کاهش آلاینده ها انجام نمی شود، نباید دودش به چشم مردم و دانش آموزان برود و بگوییم وضعیت همین است و تعطیلی ممنوع! یا باید با اتخاذ تدابیر و تصمیماتی هوا را پاک کنیم و یا مردم را از هوای آلوده مصون نگه داریم. بی توجهی به قانون هوای پاک و عدم چاره اندیشی برای سلامت مردم، اوج بی مسئولیتی است.»

دستورالعمل های یکسان و متمرکز پاسخگو نیست

مسئولان تاکنون گام های جدی برای مقابله با آلودگی هوا برنداشته اند، حال اینکه در روزهای زمستان؛ وارونگی هوا، تنفس در شهرهای بزرگ کشور را سخت می کند و سلامت کودکان و نوجوانان را در معرض خطر قرار می دهد. این مسئله، ذهن عده ای را به سمت تغییر تقویم آموزشی متمایل کرده است. برخی کارشناسان با این اقدام موافقند و گروهی هم مخالف. محمد داوری در زمره موافقان قرار دارد. او به «رسالت» می گوید: «برای کشوری به این وسعت و با بیش از صد هزار مدرسه، هیچ راهکار کلی و واحدی را نمی توان به تمامی مدارس تعمیم داد. بنابراین باید مدرسه محوری و واگذاری اختیارات به مناطق و استان ها در دستور کار قرار گیرد. چه اشکالی دارد که سال تحصیلی با توجه به شرایط اقلیمی این سرزمین تنوع داشته باشد؟ سال هاست به مدیریت کلیشه ای و یک دست عادت کرده ایم، درحالی که می توان زمان تحصیل در استان های گرمسیر و سردسیر را تغییر داد.»

این کارشناس نظام آموزشی تصریح می کند که «دستورالعمل های یکسان و متمرکز پاسخگو نیست. باید تصمیم گیری را به عهده شورای مناطق در استان ها و یا متولیان مدارس گذاشت، در غیر این صورت، راهکاری کلی را نمی توان به تمام کشور تعمیم داد.»

اما ابراهیم سحرخیز- معاون اسبق آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش با این اقدام مخالف است. او در گفت و گو با «رسالت» دلایل مخالفتش را اینگونه شرح می دهد: «شرایط جوی در برخی مناطق کشور اجازه نمی دهد، با تقویم آموزشی بازی کنیم. ضمن آنکه نظام آموزشی ما متمرکز است و نمی توان یک قطعه از این پازل را تغییر داد و مسئله اصلی بر سر این است که مدیران ما از حل آلودگی هوا و ترافیک تهران عاجز مانده اند، بنابراین راحت ترین کاری که از دستشان برمی آید تعطیلی مدارس است.»

سرخیز به جای اصلاح تقویم آموزشی، بر اتخاذ و اجرای راهکارهایی برای بهبود وضعیت هوا تاکید می کند. از نظر این کارشناس، «نیروی انسانی بزرگترین شاخص توسعه پایدار و سرمایه ای گرانبها تر از نفت است و نباید به هنگام بروز بحران ها، نخستین مکانی که تعطیل می شود، مدارس باشد. گویا تعطیلی در نظام آموزشی ما به قاعده تبدیل شده، درحالی که هیچ کجای جهان اینگونه نیست.»

این تصمیم در بدو شیوع کرونا، عواقب خود را نمایان کرده و به همین علت کشورهای جهان از تجویز نسخه تعطیلی مدارس پرهیز می کنند. علی زرافشان، از دیگر معاونین اسبق آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش برای به تصویر کشیدن خسارت تعطیلی مدارس، به نتایج مطالعه ای تحت عنوان فقر یادگیری استناد می کند

که از سوی بانک جهانی در سال 2020 انجام شده: «در این مطالعه فقط بر روی عامل شایستگی های خواندن دانش آموزان تمرکز شده است. طبق این گزارش، به طور متوسط 57 درصد دانش آموزان جهان، پایه چهارم را طی می کنند؛ اما قادر به خواندن متن ساده نیستند! در واقع این بچه ها، حداقل شایستگی خواندن را کسب نمی کنند. این یعنی به تبع آن، حداقل شایستگی ریاضیات، علوم و سایر دروس را هم کسب نمی کند و دلیل آن است که دانش آموز حتی نمی تواند متن این دروس را بخواند تا در نهایت مفهوم آنها را درک کند. در سال 2020، که زمان آن مربوط به اوایل شروع کرونا است، سهم ایران از این 57 درصد، 36 درصد بود؛ یعنی 36 درصد دانش آموزان ابتدایی ایران، کلاس چهارم را تمام می کنند در حالی که حداقل شایستگی خواندن را فرا نمی گیرند. این گزارش در سال 2022 تکرار شد و در گزارش سال جدید، این نسبت از 57 درصد به 70 درصد افزایش پیدا کرد. در حالی که در هدف گذاری این مطالعه این گونه پیش بینی شده بود که در سال 2030، کشورها بتوانند این فقر یادگیری را به نصف، کاهش دهند؛ یعنی ایران باید به رقم 18 درصد در سال 2030 برسد که با توجه به عقب ماندگی کشورها در دوران کرونا، این مهم قطعاً به تعویق می افتد. اگرچه گزارش کامل 2022 هنوز منتشر نشده است؛ ولی گزارش اولیه که رقم 70 درصد را نشان می دهد، ثابت می کند که با همان نسبت، فقر یادگیری در ایران به 44 درصد افزایش پیدا کرده است. این نشان دهنده آن است که اگر همانند دوران کرونا آموزش ها را به شکل مجازی ادامه دهیم، انتظار می رود که عدم دست یابی به شایستگی های پایه و حداقل های شایستگی، باعث شود بچه ها در سال های آینده با ضعف شدیدی از آموزش و پرورش فارغ التحصیل شوند.»

با این وجود برخی کارشناسان، میان افت تحصیلی با آموزش مجازی و تعطیلی های غیرمترقبه ارتباط مستحکم و ریشه داری قائل نیستند.

محمد داوری از جمله این کارشناسان است که اگرچه تبعات این مسئله را گسترده می‌داند، اما اعتقاد دارد که پیش از وقوع کرونا و یا تعطیلی‌های اخیر، نظام آموزشی ما با چالش‌های متعددی دست به‌گریبان بوده و طرف‌دو-سه سال گذشته این چالش‌ها در سطح وسیعی عیان شده است. داوری تاکید می‌کند: «نظام آموزشی ما براساس استانداردهای موجود در ابعاد مختلف به روز نشده است. به عبارت دیگر، محتوا و برنامه آموزشی، شیوه تربیت معلم و تکنولوژی آموزشی و استانداردهای فیزیکی، همچنان مبتنی بر رویکردهای سنتی است و در برخی مدارس هم اگرچه معلمان کارآمدند و مطابق شیوه‌های نو تدریس می‌کنند، اما به طورکلی نظام آموزشی ما ناکارآمد است. در این میان، برخی دلایل کلی و فراسازمانی هم به عنوان عوامل مکمل و تحریک‌کننده در افت تحصیلی مطرح است؛ از جمله این دلایل می‌توان به چشم انداز ادامه تحصیل و مشکلات اقتصادی اشاره کرد که انگیزه و گرایش به تحصیل را در دانش‌آموزان و انگیزه تشویق و ترغیب را در والدین کاهش می‌دهد.»

این کارشناس تصریح می‌کند: «افت آموزشی و رسیدن میانگین معدل دانش‌آموزان به عدد 11.5 و یا ناتوانی دانش‌آموزان در خواندن و نوشتن و یا ضعف مفاهیم پایه‌ای، ریشه در ناکارآمدی سیستم و نظام آموزشی دارد. به این مفهوم که تنها تعطیلی بر این جریان موثر نبوده است. بلکه به علت ناکارآمدی نظام آموزشی، این پدیده به شکل عمیق‌تر و وسیع‌تری نمایان شده، اما تعطیلات اخیر تأثیرات به مراتب بدتری داشته است، به این علت که در دوران اوج گیری کرونا تکلیف مشخص بود و همه می‌دانستند که برای مدتی آموزش به شکل غیرحضوری دنبال می‌شود، اما در حال حاضر بلا تکلیفی در تعطیلات غیرمترقبه، پیامدهای ناگواری به همراه دارد. ضمن اینکه در برخی موارد به شکل افراطی و غیرضروری مدارس تعطیل می‌شوند، درحالی که می‌توان اولویت را بر حضوری بودن مدارس گذاشت و از سختگیری‌های بی‌مورد اجتناب کرد. امسال به سادگی مدارس تعطیل شدند. این مسئله آسیب‌ها را شدیدتر کرده و حداقل‌های آموزش هم به این علت از دست رفته است. بنابراین میزان خسارتی که بر اثر تعطیلات اخیر به دانش‌آموزان وارد شده، بیش از ایام کرونا است.»

ابراهیم سحرخیز نیز بر این امر صحنه می‌گذارد که آموزش غیرحضوری در شرایط کنونی به نسبت دوره کرونا، وضعیت خوبی ندارد و این ناشی از قطع و وصلی‌های مکرر اینترنت و فیلترینگ است: «معلمان به جای تمرکز بر مفاهیم آموزشی، باید در نقش مبصر کلاس ظاهر شده و ببینند که چه کسانی توانسته‌اند به این کلاس مجازی وارد شوند و چه کسانی به دلیل وضعیت بد اینترنت از کلاس جا مانده‌اند!»

او به این مسئله هم باور دارد که «پیش از شکل گیری آموزش مجازی در ایام کرونا و یا تعطیلات اخیر، افت مزمّن تحصیلی، گریبان نظام آموزشی را گرفته بود.» این مسئله به گفته این کارشناس، علل متعددی دارد اما «یکی از مهمترین علل آن، اشکال در نظام ارزشیابی است که پژوهش محور و مهارت محور نیست، درحالی که ازجمله مطالبات یک آموزش و پرورش پیشرو، اصلاح نظام ارزشیابی و نظام هدایت تحصیلی است. همچنین باید در حجم و تعداد کتاب های درسی تجدیدنظر کرد، میانگین کتاب های درسی ما از نرّم جهانی بیشتر است. این میانگین در جهان 6 تا 8 کتاب و در ایران 10 کتاب است. در کشور ما دانش آموزان اقیانوسی را فرامی گیرند که عمق آن کمتر از یک بند انگشت است.»

معاون اسبق آموزش متوسطه در ادامه، با اشاره به دیگر علل افت تحصیلی دانش آموزان عنوان می کند: «سطح دانش و توانمندی معلمان به روز و مطلوب نیست و کمبود معلم هم مزید بر علت شده و بیشترین کمبودها مربوط به دوره ابتدایی است. مطابق آمار مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، سال تحصیلی در مهرماه با کمبود 120 هزار معلم شروع شد و با احتساب متوسطه اول و دوم، با 200 هزار کسری معلم مواجهیم و برای رسیدن به استانداردها، این میزان کمبود حدود 300 تا 350 هزار معلم است. این کمبودها با به کارگیری بازنشستگان و اضافه کاری ها به نوعی جبران شده اما در این شرایط بروز افت تحصیلی محتمل است. همچنین در 10 سال اخیر تعداد کلاس های دو نوبته افزایش یافته است. در سال های 90 تا 91، حدود 20 درصد مدارس دو نوبته بودند. اما در حال حاضر این رقم سه برابر شده و تراکم کلاس ها بین 35 تا 45 نفر است، درحالی که مطابق شاخص رسمی شورای عالی آموزش و پرورش باید در دوره ابتدایی 19 دانش آموز در هر کلاس حضور داشته باشند.»

همین دلایل موجب شده تا دانش آموزان در آزمون های بین المللی میانگین نمرات پایینی را کسب کنند و در برخی از این آزمون ها، رتبه ما بین 48 کشور، دو رتبه مانده به آخر بوده است. آنطور که سحرخیز می گوید: برخی دانش آموزان در مقطع متوسطه اول هنوز سواد خواندن و نوشتن را به خوبی فرا نگرفته اند، بنابراین نمی توانند مفاهیم ریاضی و فیزیک را تجزیه و تحلیل کرده و راه حلی برای آن بیابند.

این کارشناس در عین حال، تعطیلی مدارس را هم در افت دانش آموزان دارای تاثیرات قابل توجهی دانسته و می گوید: «در زمان بروز مشکل دیواری کوتاه تر از دیوار آموزش و پرورش نیست و آسان ترین راه تعطیلی مدارس است. در صورتی که برای مقابله با آلودگی هوا، باید

قانون هوای پاک را اجرایی کرد.»

نظام آموزشی مرغ عزا و عروسی!

محمدرضا نیک نژاد نیز از پژوهشگران و فعالان حوزه آموزش است که در این ارتباط، با اشاره به نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌گوید: «اگرچه افت تحصیلی، ریشه تک عاملی ندارد، اما واقعیت این است که تعطیلی به آموزش آسیب جدی وارد می‌کند و برای عدم تعطیلی کلاس‌های درس، نباید شاخص آلودگی هوا را دستکاری کرد! نیک نژاد در گفت و گو با «رسالته» عنوان می‌کند: «مدرسه و نظام آموزشی ما مرغ عزا و عروسی شده و هر اتفاقی می‌افتد، اول از همه به سراغ تعطیلی مدارس می‌روند.

اما برای جلوگیری از این اتفاق نباید شاخص‌های آلودگی هوا را تغییر داد، وزیر آموزش و پرورش اگر نگران تعطیلی‌هاست باید اجرای قانون هوای پاک را از دولت مطالبه کند. به این دلیل که تعطیلات اخیر، بسیار بیشتر از آموزش غیرحضوری در ایام کرونا به نظام آموزشی لطمه وارد کرده، در چند ماه اخیر سرعت اینترنت به شدت کند شده و دسترسی به پیام‌رسان‌ها دشوار است. در ایام اوج گیری کرونا، آموزش مجازی به یک جریان عادی تبدیل شده بود و در استفاده از پیام‌رسان‌ها محدودیتی وجود نداشت، اما در حال حاضر اینگونه نیست و از شروع مهرماه تاکنون به شکل‌های مختلف و بدون برنامه ریزی قبلی، کلاس‌های درس تعطیل شده و این مسئله وضعیت متفاوتی را نسبت به گذشته ایجاد کرده است.»

راهکاری برای جبران افت تحصیلی

چهار ماه از آغاز سال تحصیلی گذشته و در بهترین حالت، دانش‌آموزان 40 روز در کلاس درس حضور پیدا کرده‌اند و برای جبران افت تحصیلی و آسیب‌های یادگیری دانش‌آموزان باید از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده کرد. یکی از راهکارهای پیشنهادی معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، برگزاری کلاس‌های جبرانی در نوبت عصر و روزهای پنج‌شنبه است. راهکاری که محمدرضا نیک نژاد، آن را فاقد اثرگذاری دانسته و بر این باور است که می‌توان میزان این افت را کاهش داد، اما نه به طرز چشمگیر. نیک نژاد در گفت و گو با «رسالته» مطرح می‌کند: «کشورهای جهان مدت‌هاست به دنبال اتخاذ راهکاری برای کاهش آسیب‌های ناشی از کرونا و افت تحصیلی هستند. دغدغه جهان توسعه یافته و در حال توسعه رویارویی با شوک‌های آینده است، تا در هنگام بروز بحران‌های بعدی، مدارس تعطیل نشوند. اما در کشور ما به علت عدم برنامه ریزی و ساختار غلط آموزشی، نه افت تحصیلی قابل جبران است و نه می‌توان برای آینده و بحران‌های احتمالی چاره‌اندیشی کرد. پایه‌های اول تا سوم ابتدایی ما به

شدت به بازآموزی مفاهیم درسی نیاز دارند و چون آموزش و پرورش در اولویت نیست، طبیعتاً امکانی برای جبران وجود ندارد. آموزش و پرورش از حداقل‌ها محروم است، چه رسد به اینکه با سازوکاری مشخص و اصولی افت تحصیلی دانش‌آموزان را رفع کند.»

ابراهیم سحرخیز هم چنین دیدگاهی دارد. به گفته او، جبران این گسستی که میان دانش‌آموز و مدرسه اتفاق افتاده، به سادگی امکان‌پذیر نیست و راهکارهای جبرانی مسئولان نظام آموزشی فاقد کارشناسی لازم است، به این علت که منابعی برای جبران افت تحصیلی و اختصاص آن به معلمان پیش‌بینی نشده است.

محمد داوری- کارشناس نظام آموزشی هم در این رابطه بیان می‌کند: «مدارس غیرانتفاعی و خاص و دانش‌آموزانی که به کلاس خصوصی دسترسی دارند، می‌توانند عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنند، اما مدارس دولتی از این فرصت محروم می‌مانند و اگر هم قرار باشد به صورت فشرده، مفاهیم بازآموزی شود، کیفیت افت می‌کند. بنابراین معلمان باید اضافه بر ساعت تدریس خود در طول هفته و یا روزهای پنج‌شنبه کلاس‌های جبرانی برگزار کنند، که این هم منوط به پرداخت حق الزحمه و حق التدریس معلمان است.»

منبع: روزنامه رس‌س 6 آبان 1401